

هنر در آینه اندیشه

تألیف: دکتر شهره امینیان

شرکت توسعه کتابخانه‌های ایران

۱۳۹۲

سرشناسه	: امینیان، شهره، ۱۳۴۲-
عنوان و نام پدیدآور	: هنر در آئینه اندیشه/ تألیف شهره امینیان
مشخصات نشر	: تهران: شرکت توسعه کتابخانه‌های ایران، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	: ۲۳۷ ص.
شابک	: 978-964-5760-95-1
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: هنر - تاریخ
موضوع	: خلاقیت هنری - فلسفه
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ۸۵۹ الف/۸۵۳۰۰
رده‌بندی دیویی	: ۷۰۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۲۱۵۵۳

۴۰

~

به‌نام خدا

نام کتاب

: هنر در آئینه اندیشه

ناشر

: شرکت توسعه کتابخانه‌های ایران

نویسنده

: دکتر شهره امینیانی

چاپ اول

: پاییز ۱۳۹۲

چاپ

: چاپخانه ایمان

تیراژ

: ۱۰۰۰ جلد

آدرس

: تهران، خیابان خواجه‌عبدالله انصاری، ایمن، جنوبی

کوچه نهم، پلاک ۳، طبقه اول

تلفاکس

: ۲۲۸۶۵۸۳۲ - ۲۲۸۶۶۲۶۷ تلفن: ۷۷۶۳۷۷۸۳

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۷۶۰-۹۵-۱

ISBN: 978-964-5760-95-1

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

فهرست

۵	پیشگفتار
۱۱	فصل اول: گذری در گستره تاریخ بر موجودیت هنری
۲۷	فصل دوم: ویژگی‌های آفرینش هنری
۴۲	۱- خلاقیت
۴۳	۲- زیبایی
۴۴	تعریف زیبایی
۵۲	زیبایی در دیدگاه فرمالیستی
۵۳	زیبایی و استتیک
۶۰	جمع‌بندی نکات کلیدی در مورد بحث زیبایی و هنر
۶۳	۳- فرا رفتن از نیازهای مادی
۷۵	فصل سوم: جایگاه اندیشه در اثر هنری
۷۵	مراتب اندیشه در اثر هنری
۷۵	۱- هنر توصیفی
۷۷	۲- هنر اجتماعی و انسانی
۷۸	۳- حیطه سوم اندیشه در هنر
۸۳	فصل چهارم: توانایی اشکال هنری در انتقال اندیشه
۸۷	۱- هنرهای تجسمی
۹۰	۲- موسیقی
۹۱	۳- ادبیات
۹۲	هرمنوتیک
۱۰۵	۴- هنرهای نمایشی
۱۰۵	۵- فرم‌های دیگر هنری
۱۰۷	فصل پنجم: نظرگاه‌هایی از فلسف هنر در غرب
۱۰۸	افلاطون
۱۱۴	ارسطو
۱۱۹	هگل
۱۲۹	جنبش رمانتیک

۱۳۲	پیش رمانتیسزم
۱۳۶	برادران شگل و رمانتیک‌های جوان
۱۳۹	شیلر
۱۴۲	شلینگ
۱۴۷	هولدرلین
۱۵۰	نیچه
۱۵۹	هایدگر
۱۶۷	دریدا
۱۷۹	فصل ششم: نگاه کلی در کاربرد مؤلفه‌های حیطة هنری
۱۸۵	فصل هفتم: نگاهی به اندیشه و هنر در تاریخ تمدن ایران در مقایسه با مغرب زمین
۱۸۶	نگاهی به چگونگی تحول اندیشه در ایران و آسیای جنوب غربی
۱۸۸	تمدن‌های سرزمین میان رودان
۱۹۹	شکل‌گیری تاریخ و تمدن ایران زمین
۲۰۴	سرزمین ابتدایی هند و ایرانی‌ها
۲۰۷	گسترش و توسعه هندی-ایرانی
۲۱۰	جا به جایی هندی‌ها و ایرانی‌های اولیه و مسیر مهاجرت آنان
۲۲۸	مقایسه سیر اندیشه در ایران و تمدن اسلامی در مغرب زمین

پیشگفتار

... برای نوشتن بسیاری دیر می‌نماید
اما هر حرف تازه، تنها در زمان خود گفته می‌شود

بر کاغذ آوردن انگیزه‌های نوشتن، روشنگری است که ارتباط با دنیای نوشتار را از چندین سو آسان می‌سازد. جست‌وجو و تعمق در مفهوم اثر هنری و جایگاه آن، در دل دیگر خلاقیت‌های بشری به جهت درگیری نگارنده اثر در تجربه‌های آفرینش هنری، همواره از دل مشغولی‌ها و دغدغه‌های فکری وی به شمار آمده و طرح و پاسخگویی به بسیاری از مسائل بنیادین این حیطه را از حساست‌ها و نیازهای اساسی اهالی وادی هنر دانسته است.

بحث‌های بنیادین فلسفه هنر، از یک سو، نظرات و آرای اندیشمندان گذشته را به صحنه فرا خوانده، و از سوی دیگر، نوآوری‌های معاصر و اندیشه‌های فردی را به عرصه داوری می‌طلبد.

به همین سبب، کسانی که در این حیطه به ارائه نظر پرداخته‌اند، یا به طور کلی از کسانی بوده‌اند که در یک دوره از کار فلسفی‌شان در راستای تبیین دیگر مفاهیم بنیادین، همچون؛ زیبایی‌شناسی، حقیقت و هستی، به مقوله هنر نیز به عنوان زیرمجموعه‌ای از مفاهیم پیشین پرداخته‌اند، و از این رو در زمره فلاسفه قرار می‌گیرند، و یا هنرمندانی که از زوایای مختلف، و بیش از هر چیز دیگر، از منظر ویژگی‌های خاص اشکال هنری و بیشتر با نگرشی فرم‌گرایانه به موضوع پرداخته، و کمتر جایگاه معرفت‌شناسی هنر را مورد تأمل قرار داده‌اند.

از آن جا که در بیان مفاهیم اولیه هر مقوله و در تعریف چیستی آن، پرسش‌های طرح شده در حیطه علوم فلسفی قرار می‌گیرد، صحبت از چند و چونی ماهیت هنر نیز در سلسله مراتب فلسفه هنر جای داده شده است. در این مسیر درک جایگاه فلسفه و تاریخ شکل‌گیری آن به طور اخص، به عنوان یکی از معارف هستی‌شناسانه، از نقشی کلیدی، برخوردار است. نگاه و فکر فلسفی به طور اساسی ریشه در سنت فکری و فرهنگی غرب داشته بدین سبب، آگاهی از چگونگی شکل‌گیری این نگرش در غرب، در شناسایی مقوله فلسفه هنر به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های آن دارای اهمیت است.

حال آن که، در مشرق زمین^۱ به ویژه تمدن ایران، نگاه به مقوله هنر از ویژگی‌هایی به طور کامل، متفاوت برخوردار بوده، و شناخت این ویژگی‌هاست که دست‌یابی به درک درست‌تری از تفاوت‌های نگرش شرقی، با تئوری‌پردازی‌های غربی در مبحث فلسفه هنر را، امکان‌پذیر می‌سازد.

هنر از مباحثی است که در مشرق زمین از زاویه چون و چرایی بدان نگریسته نشده، چرا که در دیدگاه شرقی مقوله هنر، از جایگاهی معرفت‌شناختی برخوردار بوده است. جایگاه محوری شعر، در میان هنرهای شرقی و تلقی نوعی حکمت شهودی از آن، تا یک هنر صرف، سبب شده تا نگاه به مقوله هنر، کمتر از موضوع‌های دیگر رنگی تحلیل‌گراییانه به خود گیرد. تجلی هنری، به دلیل آن که خود حجتی کامل بر ابلاغ رسالت آن به شمار رفته، ذهن اکثریت متفکران را خود به خود بی

۱. در این نوشتار هرجا سخن از مشرق زمین به میان آمده است، منظور اصلی خاور میانه به مرکزیت ایران بوده و در برگزیده تاریخ تمدن ایران زمین می‌باشد. روشن است که نگاهی همه‌جانبه به مشرق زمین با توجه به تمدن‌های بزرگ و کهن و کم و بیش متفاوت آن، مستلزم شناخت دقیق و پژوهش جامع در این زمینه خواهد بود. امیدواریم در آینده شاهد گسترش و تکمیل این گونه مباحث تطبیقی و مقایسه‌ای در ارائه و معرفی دیگر تمدن‌های خاور دور، در برابر تمدن غرب باشیم.

نیاز از بیان هر گونه تعریف و مرزبندی در شناخت ماهیت و گونه‌های بیانی آن ساخته است.

به همین دلیل و پس از ورود فکر فلسفی به مشرق زمین نیز، کمتر اثری از جایگاه فلسفی مقوله هنر دیده می‌شود و تنها در تعامل‌های معاصر اندیشه با غرب است که، شاهد مطرح شدن شاخه‌ای از فلسفه، به نام فلسفه هنر در بحث‌های فکری و دانشگاهی مشرق زمین می‌باشیم.

از این رو، شاید اساسی‌ترین دلیل عدم حضور فعال متفکران شرقی در نظریه‌پردازی‌های فلسفی را بتوان نتیجه کارکرد اشکال هنری محوری مانند؛ ادبیات و به ویژه شعر به عنوان محملی در معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی قلمداد کرد. به دلایل بیان شده و نیز غربی بودن منشأ فلسفه هنر، تعجب‌آور نمی‌نماید که بیش‌ترین تلاش‌های فکری و تئوری‌پردازی‌های موجود از سوی متفکرین و اندیشمندان غربی، انجام گرفته باشد.

ارائه بحث و نظر جدی در این باره در مغرب زمین، با آرای افلاطون و ارسطو آغاز شد و تا عصر حاضر ادامه داشته است.

روشن است که بیان این‌گونه مفاهیم هنری و درک و برداشت‌های گوناگون از هنر و رسالت آن، که در قالب ترجمه، از تالیف و گردآوری‌ها در اختیار ما قرار گرفته، گذشته از برخی مصداق و ویژگی‌های جهان‌شمول، نمی‌تواند عاری از تأثیرهای مستقیم تفکر غربی و روح حاکم بر دگرگونی‌های اندیشه، در آن سوی جهان باشد.

از سوی دیگر تاریخ تحولات هنری در دیگر تمدن‌های دیربای بشری لزوماً از سیری مشابه و منطبق با آنچه که در غرب از آن می‌شناسیم، برخوردار نبوده است. همین تفاوت‌ها در شکوفایی عرصه‌های مختلف هنری سبب گردیده تا بسیاری از نظرگاه‌های ارائه شده در زمینه سیر دگرگونی اشکال هنری از سوی متفکران غربی، قابل انطباق با سیر تکاملی بیان هنری، در دیگر جوامع، نباشد.

در واقع خلاّ اندیشه در زمینه مقوله فلسفه هنر، از چند و چونی آن، تا مطالعه سیر دگرگونی‌های شکل‌های هنری در تاریخ تمدن مشرق زمین، همواره ذهن دانش پژوه شرقی را در رویارویی با پیچیدگی‌ها و دگرپرسی‌های بیان هنری در عرصه فرهنگ و تفکر غربی تنها گذارده، و مطالعه سیر اندیشه در این باب را محدود به نظرهای موجود در فرهنگی خاص نموده است.

واقع امر آن است که در نهایت، هر علت یا توجیه تاریخی که بر شکل‌گیری این عدم حضور مترتب دانسته شود، اهمیت شرکت اندیشمندان دیگر فرهنگ‌های بشری در مباحث فلسفه هنر در عصر حاضر، ملموس‌تر از هر زمان به نظر می‌رسد. استفاده از زبان مشترک فلسفی امکان آن را فراهم می‌آورد تا تعامل و تبادل نظر فرهنگی صورت پذیرفته و فضایی در جهت شناساندن بسیاری از زوایای پنهان بینش هنری در شرق، نیز فراهم آید.

کوشش در این زمینه بی‌تردید، باب مطالعاتی تطبیقی، میان نگرش به هنر در غرب و شرق را باز نموده و به موازات آن امکان نقد و ارائه مفاهیم و تعریف‌های تازه‌تر را فراهم می‌آورد و در نتیجه، به وجود آمدن دیدگاه‌ها و مرزبندی‌های کلی‌تر و جهان‌شمول‌تر در این عرصه را نیز امکان‌پذیر می‌سازد.

هر چند انسان‌های عصر حاضر توفیق آن را یافته‌اند تا وامدار میراث فکری پیشینیان خود باشند و در سایه مطالعه، اطلاعاتی وسیع را در مدتی اندک فرا چنگ ذهن مذاقه‌گر خویش آورند، اما انبوه این اطلاعات نباید در هر دوره از چرخش تاریخی به منزله تعطیلی ذهن‌ها و بی‌نیازی از نوآوری در یک موضوع تلقی شود.

به تعبیری دیگر هر تلاش فکری تازه که مبتنی بر دانسته‌های دقیق و کامل از علوم مربوط به آن زمینه و ملهم از بار دانش آراء و نظرهای به

روز باشد، از منظری به مثابه تابانیدن نور از افق و زاویه‌ای تازه بر حقیقتی کم و بیش واحد است که به زعمی اساس اکثر نوآوری‌ها در عصر حاضر محسوب می‌شود.

نوشتار پیش رو نیز تلاشی است که محور اصلی مباحث خود را بر اهمیت جایگاه و مرتبت اندیشه در آثار هنری قرار داده است. در این روند، ضمن تأکید بر لزوم تعریف و تبیین جایگاه آفرینش هنری در دل دیگر خلاقیت‌های بشری، جمع‌بندی کلی از سیر دگرگونی‌های اشکال گوناگون بیان هنری در طول تاریخ نیز ارائه شده است.

در نگاهی دیگر تلاش حاضر گشاینده راهی است تا در کنار حرکتی نقادانه در آرای مطرح شده دیگر علاقه‌مندان به این مباحث را در ارائه نظرگاه‌های تازه به تعاملی همه جانبه‌تر فرا خواند.